

دوری از انصاف

در ارتباط با عملکرد مسئولین و بحث در مورد کارا و ناکارا بودن آنها اگر صادقانه و به دور از مسائل حاشیه‌ای و جانبداری‌های تابلو دار باشد اقدامی در راستای بهبود اوضاع و کمک به رفع مشکلات بوده و به مصداق چو از دل برآید بر دل نشیند، با استقبال جامعه و دوستداران پیشرفت و توسعه منطقه قرار می‌گیرد.

در نقد انسان‌هایی که کمر خدمت بسته‌اند غرض ورزی، منتقد را به بیراهه هدایت می‌کند. اغراض نغسانی، حجاب چشم است و همچون پرده‌ای چشم را پوشیده می‌دارد و در نتیجه خوب و بد هیچ‌چیز را نمی‌تواند ببیند.

کسانی که نه از روی صداقت بلکه با تبعیت از یک برنامه از پیش‌تعیین‌شده چشم بر روی واقعیت‌ها می‌بندند و به وسیله‌ای برای منعکس کردن خواست و منویات دیگران تبدیل می‌شوند با گذشت زمان حسرت روزها و لحظه‌های از دست داده را می‌خورند. آنوقت فرصت جبرانی وجود نخواهد داشت و باید زانوی غم در بغل بگیرند و از این‌که سرمایه وجودشان را در بازار زندگی حراج کرده و چیزی دستگیرشان نشده افسوس بخورند.

هر فردی که به فکر جامعه بوده و در اندیشه عمل به وظیفه باشد راه را نباید گم بکند و به‌جای کارهای اصولی و اقدامات سازنده و حرفه‌ای امیدوارکننده، شمشیر را از رو نبندد و هر آنچه که نفس اماره و اربابان از خدا بی‌خبر فرمان می‌دهند اطاعت نکنند.

مهم‌ترین بحثی که می‌تواند در برخورد مغرضانه با مسئولین و یا هر مجموعه و گروهی مورد توجه قرار گیرد طرح این سؤال است که چرا اخلاق در جامعه، آن هم در بین تحصیل‌کردگان و مدعیان اصلاح جامعه تا این حد سقوط می‌کند که بازی با آبروی افراد به یک امر عادی تبدیل می‌شود.

در روزهای اخیر استاندار اردبیل مورد محبت و عنایت برخی‌ها قرار گرفته‌است. وابستگی تابلودار بعضی از این منتقدین به فعالان اجتماعی و دست اندرکاران امور، واضح و آشکار می‌باشد.

قرار گرفتن مسئولین زیر ذره‌بین خود نعمت بزرگی است که اگر صحیح و اصولی باشد عاملی برای تحرک هرچه بیشتر آنها و ممانعت از هر گونه

لغزش احتمالی می‌باشد. اما اعطای برخی از صفات از جمله ضعف و کم‌کاری به آن‌هایی که قصدی جز خدمت ندارند، آزاردهنده می‌شود.

به نظر می‌رسد که در تیررس قرار گرفتن استان‌دار و همکاران وی بیشتر ناشی از تسویه حساب‌های سیاسی، بانندی و گروهی باشد.

آن‌هایی که با شروع فعالیت دولت جدید برای خود، جایگاهی تعریف کرده و برای رسیدن به پست و مقام، نقشه‌ها کشیده بودند وقتی ناکام می‌شوند به سرعت نور، تغییر موضع داده و به یک مخالف دولت محلی تبدیل می‌شوند. برای آن‌ها هر اقدام مثبت بستگی به حضورشان در قدرت دارد اگر مسئولیت داشته باشند اوضاع بر وفق مراد خواهد بود وگرنه موضع‌گیری در قبال هر اقدام دست‌اندرکاران استان، مباح و روا تلقی می‌شود.

گروه دیگری که فکر می‌کردند می‌توانند در انتصابات حرف اول را بزنند و در راه هدیه صندلی‌های مدیریت به اطرافیان گام‌های مهم بردارند وقتی با سدی به نام استقلال در دولت محلی مواجه می‌شوند علم مخالفت برافراشته و از هر تریبون و جمع و جلسه‌ای برای تضعیف استان‌دار و همکاران او استفاده می‌کنند.

سومین گروه سیاسیونی هستند که تاب تحمل حضور افراد در رأس قدرت را ندارند. آن‌هایی که مزه در قدرت بودن را سال‌ها چشیده‌اند با از دست دادن موقعیت، به طرق مختلف از جمله با کنایه و صحبت‌های وقت و بی‌وقت عکس‌العمل نشان می‌دهند.

این رفتارها بی‌انصافی است. به فکر جامعه باشیم و منافع مردم را به منافع خود ترجیح بدهیم. همه کسانی که در دولت محلی مسئولیت گرفته‌اند مسلماً هدفی جز خدمت به منطقه ندارند. باید به تک‌تک آن‌ها فرصت داد تا بتوانند برای بهبود اوضاع مثمر ثمر باشند. انشاء‌الله.